



## اسرائیل می خواهد، اما آیا می تواند به

### ایران حمله کند؟

تری میسان

برگردان: محمد علی اصفهانی

[www.ghoghnoos.org](http://www.ghoghnoos.org)

خانم سیلویا کاتری، روزنامه نگار مستقل سوئسی، گفتگوی نسبتاً مفصلی انجام داده است با تری میسان، تحلیلگر برجسته ی فرانسوی و مسؤول و بنیانگذار «شبکه ی ولتر برای آزادی بیان». اصل این گفتگو، با محور های متعدد آن، در ۲۲ آوریل، به وسیله ی منابع مختلف فرانسوی زبان، از جمله بخش فرانسوی سایت پروفیسور میشل شاسودووسکی و همکارانش، گلوبال ریسرچ، منتشر شده است.

ترجمه ی آن قسمت از این گفتگو را که مستقیماً به موقعیت کنونی ایران در ارتباط با آمریکا و اسرائیل بر می گردد در اینجا می آورم. همراه با یک یادآوری شاید نه چندان ضروری: به موضوع مورد بحث، باید از زوایای متفاوت - و گاه متقابل - نگاه کرد. نگاه تری میسان همه ی این زوایا را در بر نمی گیرد. و این، در مورد همه ی تحلیل ها و همه ی تحلیلگران دیگر نیز صادق است، و اساساً امری است طبیعی...

خانم سیلویا کاتری از تری میسان می پرسد:

به نظر شما، در روابط غرب با ایران چه فعل و انفعالاتی در پیش است؟ و کار زورآزمایی و کشمکش بر سر «خطر اتمی ایران» که میلیتاریست ها، مخصوصاً اسرائیل، با حمایت پرشور دولت فرانسه، به آن مشغولند به کجا خواهد کشید؟

تری میسان پاسخ می دهد:

حمله ی نظامی به ایران، فقط در متن برنامه ی کار هواداران «از نو قالب ریزی خاورمیانه» می توانست پاسخ داشته باشد. یعنی در متن برنامه ی کار لابی نفت، و حرکت صهیونیزم. نئوکان ها، برای تحقق برنامه ی خود - همچون مورد عراق - در باره ی نظامی بودن برنامه ی اتمی ایران، به داستانسرایی پرداختند. بمباران ایران، بسیار محتمل بود، و تقریباً فاصله یی با وقوع آن نداشتیم که این گزینه، با فشار نظامیان

آمریکایی پی که «ژنرال های متمرّد» نامیده شده اند، به کنار گذاشته شد. و اوپاما نیز خود را در سال ۲۰۰۸ در کنار این نظامیان قرار داد، و به یاریشان شناخت. این موضوع را کالین پاول هم به صورت علنی اعلام داشته است.

«ژنرال های متمرّد»، به اوپاما کمک کردند تا بتواند در انتخابات ریاست جمهوری برنده شود و به کاخ سفید راه یابد.

بنابر این، دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم که در کاخ سفید، طرحی جدید برای حمله به ایران، از نو آماده و ساخته و پرداخته شده باشد.

گفتگو میان تهران و واشنگتن، به طور همزمان، از چندین کانال مختلف، جریان دارد، و وارد مراحل بسیار پیشرفته پی شده است.

پنناگون، در عراق و افغانستان، نیازمند کمک ایران است. و گذشته از این، واشنگتن، برای دور کردن تهران از مسکو، و ممانعت از گسترش نفوذ روسیه در خاورمیانه، باید ایران را به خود متمایل سازد. تأسف آور است که نیکولا سارکوزی، رئیس جمهوری، و برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه ی فرانسه، همچنان به تهدید کردن ایران ادامه می دهند. و این، در حالی است که اربابان آمریکایی این دو، دیگر به چنین رفتار سنیزه جویانه پی از سوی اینان نیاز ندارند.

همچنین، مضحک و مبتذل است این که رهبران اسرائیل - مثل گذشته - ایران را تهدید به بمباران می کنند، بدون آن که امکان عملی کردن تهدید خود را داشته باشند.

تل آویو، با حمایت پنهانی دم و دستگاه جرج بوش، طرح بمباران ایران در ایام برگزاری بازی های المپیک سال گذشته [ با سوء استفاده از توجه مردم جهان به بازی ها، و کم توجهی آن ها به وقایع سیاسی - م ] را در دست مطالعه داشت.

اسرائیل، دو پایگاه هوایی در گرجستان اجاره کرده بود، و هواپیما های بمب افکن خود را در آن پایگاه ها مستقر ساخته بود.

به لحاظ تنوریک، اسرائیل بدینسان قادر می شد که این هواپیما ها را از تغلیس، پایتخت گرجستان، به پرواز درآورد تا ایران را بمباران کنند، و بعد از اتمام کار، به فلسطین اشغال شده باز گردند.

با توجه به مشکل سوخت رسانی [ و نیز مشکلات «قانونی» عبور از حریم های هوایی کشور های همسایه - م ] اسرائیل نمی توانست چنین عملیاتی را مستقیماً از فلسطین اشغال شده انجام دهد. روسیه - که با ایران، قرارداد دفاعی، امضا کرده است - وارد عمل شد، و به محض آن که فرصت یافت، تأسیسات اسرائیل در گرجستان را نابود کرد، و آمریکا هم عکس العملی نشان نداد. (۱)

ضمناً به یاد داشته باشیم که تکنیسین های مرکز اتمی بوشهر، روسی هستند. و به تعبیر دیگر، بمباران کردن تأسیسات اتمی ایران در بوشهر، به معنای کشتن شهروندان روسیه، و اعلام جنگ با این کشور می بود.

خانم سیلویا کاتری، می پرسد:

در چنین شرایطی، آمریکا، در ناتو به جستجوی چیست؟ و در برابر نقشه های خود با چه موانعی روبرو خواهد شد؟

تری میسان پاسخ می دهد:

برای درک صحنه ی کنونی بازی، باید نخست آنچه را از ۹ سال پیش تا به حال جریان دارد درک کنیم. در سال ۲۰۰۰ طبقه ی حاکم در آمریکا، با تقلب و خلاف و دستکاری در انتخابات، توانست جرج بوش را به کاخ سفید بفرستد. پروژه، این بود: «یک قرن آمریکایی نوین».

این موجودات، فکر می کردند که آمریکا باید با استفاده از برتری نظامی خود، امپراتور سراسر کره ی زمین شود.

این ها به همین منظور، وارد کردن یک شوک روانی به جهان را برنامه ریزی کرده بودند. و یا به بیان و تصریح و اصطلاح خودشان، یک Pearl Harbor از نوع جدید را، (۲)

و ماجرای یازده سپتامبر، اینگونه بود که رقم خورد.

در آن روز، هنری کیسینجر، «جنگ فراگیر و جهانی علیه تروریسم» را تبیین و تعریف کرد. او توضیح داد که هدف، این نیست که طراحان این ماجرا مجازات شوند؛ بلکه هدف، نابود کردن «سیستم»ی است که بر سر راه آمریکا، مانع و مشکل ایجاد می کند. همانطور که در پی واقعه ی Pearl Harbor هدف، نه مجازات زاین، بلکه از میان برداشتن هر آنچه سد راه آمریکا می شد بود.

اما در سال ۲۰۰۲ دستگاه بوش - چینی، از مأموریتی که طبقه ی حاکم آمریکا به آن محول کرده بود منحرف شد.

این دستگاه، تصمیم گرفت که کشور عراق را به یک مستعمره تبدیل کند، و ثروت و توان بهره دهی آن را در اختیار مؤسسه ی خصوصی پی قرار دهد که بر مبنای مدل «کمپانی هند»، طرح ریزی شده بود: نیرو های مؤتلف.

ژنرال Brent Scowcroft اولین رهبر آمریکایی بود که با این پروژه به مخالفت برخاست. نه همچون «دمنیک د ویلپن»، وزیر امور خارجه ی وقت فرانسه، تحت عنوان حقوق بین الملل. بلکه تحت این عنوان که این پروژه، متعلق به عصر سپری شده ی استعمار و مستعمره سازی است، و «مبارزه ی آمریکا با تروریسم را از مسیر خود منحرف می کند».

ژنرال Brent Scowcroft مرشد و راهنمای فکری ژنرال هایی شد که در سال ۲۰۰۶ علیه طرح حمله ی نظامی به ایران، طغیان کردند.

این ژنرال پیر، بر کمیسیون «بیکر - هامیلتون»، از طریق فرزند معنوی خود، «رابرت گیتس» اعمال نفوذ کرد. همان رابرت گیتس، که او توانست به عنوان وزیر دفاع، بر بوش تحمیل کندش. [ و اوپاما نیز در

کابینه ی خود، او را همچنان در پست وزارت دفاع ابقاء کرد - م.]  
و باز، همین ژنرال Brent Scowcroft است که امروز، اوپاما در مورد هر انتصابی که به امور دفاعی، و به امور سیاست خارجی، مربوط می شود، با او مشورت می کند.  
ژنرال «جیمز جون»، مشاور امنیت ملی آمریکا، خودش این را پذیرفته است و مورد تأیید قرار داده است که فرامین روزانه ی خود را، نه از اوپاما، بلکه از دو همدست همیشگی یکدیگر، یعنی ژنرال Brent Scowcroft و هنری کیسینجر می گیرد...

\* تیترا و لینک متن کامل گفتگو:

Du G20 à Durban II, le dessous des cartes

[www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=13293](http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=13293)

در باره ی تری میسان:

تری میسان، از نویسندگان و روزنامه نگاران و تحلیلگران جنجالی طیف چپ فرانسه، و بنیانگذار «شبکه ی ولتر برای آزادی بیان» است. شبکه ی گسترده در سراسر جهان. او از جمله به دلیل شلوغ بودنش، و عنداللزوم بی پرواییش در حرکت بر خلاف جریان آب، در نزد سیاست شناسان فرانسه و جهان، چهره ی کاملاً آشناست.

جنجالی ترین کتاب او به نام «نبرنگ دهشت آفرین»، درباره ی وقایع یازده سپتامبر دوهزار و یک، جزء کتاب های پرفروش جهان است که تا کنون به حدود سی زبان ترجمه شده است.  
او در این کتاب که در سال ۲۰۰۲ منتشرش کرده است، با ارائه ی اسناد و مدارک و تحلیل ها، از تری دفاع می کند که بر مبنای آن، ماجرای یازده سپتامبر ۲۰۰۱ بر خلاف ظاهرسازی های ماهرانه، یک ماجرای تروریستی داخلی آمریکاست، و نه محصول توطئه ی «اسلامیستی». هرچند که در آن، «اسلامیست» ها به کار گرفته شده اند.

او این ماجرا را یک کودتای واقعی در آمریکا می داند که دار و دسته ی بوش، در پوشش آن کوشیدند که از یک طرف، خود را بر تمام شئون کشور، حتی زندگی خصوصی افراد، مسلط کنند، از یک طرف، به طور متدبک، تمام مراکز «ضد قدرت» را نابود و یا بی اثر سازند؛ و از طرف دیگر، دست به کار تحقق برنامه های از پیش طراحی شده ی خود برای افغانستان، عراق، فلسطین، سوریه، لبنان و ایران شوند.  
Thierry Meyssan تا آنجا پیش می رود که کارزاری جهانی برای گشودن یک تحقیق در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به منظور روشن کردن واقعیت ماجرای یازده سپتامبر، به راه می اندازد...  
از تری میسان، به ترجمه ی همین قلم: نوکنسرواتور ها و تئوری هرج و مرج سازنده:

[http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar02/liban\\_voltaire.html](http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar02/liban_voltaire.html)

۱ - در همان ایام جنگ گرجستان، ترجمه و تفسیر چندین مقاله از نویسندگان مختلف، در باره ی چند و

چون ماجرا، ارتباط آن با طرح اسرائیل برای حمله به ایران، و انهدام تأسیسات اسرائیلی آماده شده برای این حمله، به وسیله ی روسیه، به همین قلم، در ققنوس منتشر شد. از جمله:

میشل شاسودووسکی: جنگ اخیر گرجستان را آمریکا و اسرائیل و ناتو برنامه ریزی کرده اند:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/georgie-chossodovsky.html>

ابواشف: حمله ی گرجستان به اوستیا تمرین حمله ی آمریکا به ایران است:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/ivachov270808.html>

گرجستان، اسرائیل. منطقه ی قفقاز است؟ یا دوست استراتژیک ایران؟:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/georgie-defansa.html>

و نیز: یادداشتی با عنوان «یک بیانیه ی ناسیونالیستی با حال و هوای مخصوص»:

<http://www.ghoghnoos.org/khabar/khabar08/naghd-e-bayanieh-h.html>

و چند مطلب دیگر...

۲- در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ نیروی هوایی امپراتوری ژاپن، حمله یی غافلگیرانه، و بسیار بزرگ و پر تلفات، به پایگاه دریایی آمریکا در پرل هابر (واقع در مجمع الجزایر هایتی) انجام داد. این حمله، ورود آمریکا به جنگ جهانی دوم را در پی داشت.